10083 ـ تبرک جستن از علما و صالحان و آثارشان

سوال

برخی تبرک به علما و صالحان و آثارشان را با استدلال به تبرک جستن صحابه ـ رضی الله عنهم ـ از پیامبر ﷺ جایز دانسته‌اند. بنابراین حکم این کار چیست؟ آیا این کار شبیه ساختن دیگران به پیامبر ﷺ نیست؟ و آیا می‌توان پس از وفات پیامبر ﷺ نیز به ایشان تبرک جست؟ و حکم توسل به الله متعال به برکت پیامبر ﷺ چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

تبرک جستن به کسی جز پیامبر ﷺ، نه با آب وضویش و نه با مو یا عرق یا چیزی از بدنش جایز نیست، چرا که این مخصوص پیامبر ﷺ بود، زیرا خداوند در بدن وی و آنچه به بدن می‌رسید خیر و برکت قرار داده بود.

به همین سبب، صحابه ـ رضی الله عنهم ـ به هیچ یک از دیگر صحابه نه در هنگام حیات و نه پس از وفاتش تبرک نجسته‌اند، نه به خلفای راشدین و نه دیگران. این نشان می‌دهد که آنان تبرک را خاص پیامبر ﷺ می‌دانستند و نه کس دیگر و همینطور می‌دانستند که این وسیله‌ای است که ممکن است منجر به شرک و عبادت غیر الله شود. همینطور توسل کردن به الله سبحانه و تعالی به جاه و مقام پیامبر ﷺ یا ذات یا صفت یا برکت وی جایز نیست زیرا دلیلی بر این نوع توسل وجود ندارد و همچنین از وسایل منجر به شرک و غلو در وی ـ صلی الله علیه وسلم ـ است.

همینطور به این سبب که صحابه ـ رضی الله عنهم ـ این کار را انجام نداده‌اند و بی‌شک اگر خیری در آن بود از ما در انجام آن سبقت می‌جستند، و از سوی دیگر این کار خلاف ادله‌ی شرعی است زیرا الله متعال می‌فرماید: ولله الأسماء الحسنى فادعوه بها [اعراف/ ۱۸۰] (و الله دارای نام‌های نیک است، پس او را با آن دعا کنید). و ما را امر نکرده که وی را با توسل به جاه کسی یا حق یا برکت او دعا کنیم.

صفات الله متعال مانند عزت یا رحمت یا کلام او نیز مانند نام‌های اویند و می‌توان به آن توسل جست و در احادیث صحیح نیز پناه جستن به کلمات کامل الله و عذا و قدرت الله وارد شده است.

همینطور توسل به محبت الله سبحانه و تعالی و محبت پیامبرش ﷺ و توسل به ایمان به الله و پیامبرش و توسل به اعمال نیک، مانند آنچه در داستان اصحاب غار آمده؛ آن‌هایی که برای پناه بردن از باران شب را به غاری پناه آوردند اما سنگی

بزرگ بر دهانه‌ی غار افتاد و راه خروجشان را بست و نتوانستند آن را از جایش تکان دهند، پس با هم برای رهایی از آن مخمصه مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که نجات نخواهند یافت مگر آنکه با توسل به اعمال نیکشان به درگاه الله دعا کنند. پس یکی از آنان با نیکی‌اش در حق پدرو مادر به درگاه الله توسل کرد، ناگهان آن صخره کمی کنار رفت اما هنوز نمی‌توانستند بیرون بروند... سپس دومی به عفت خود و ترک زنا با وجود توانایی بر آن توسل کرد. باز هم صخره اندکی کنار رفت اما هنوز نمی‌توانستند بیرون بروند. سپس سومی به امانت‌داری خود توسل کرد پس صخره کمی کنار رفت و توانستند از غار بیرون بروند.

این حدیث در صحیحین از پیامبر ﷺ ثابت است.

علما ـ رحمهم الله ـ از جمله شیخ الاسلام ابن تیمیه و شاگردنش ابن قیم شیخ علامه عبدالرحمن بن حسن در کتاب فتح المجید شرح کتاب التوحید و دیگران در این مساله همین پاسخ را عنوان کرده‌اند. اما حدیث توسل نابینا به رسول الله ﷺ در هنگام زندگی ایشان و شفاعت پیامبر ﷺ برای او و دعایش که باعث بینا شدن او شد، چنان که واضح است توسل به دعای پیامبر و شفاعت اوست نه جاه و حق او، همانطور که مردم در روز قیامت برای آغاز شدن داوری میان آن‌ها خواهان شفاعت ایشان می‌شوند، و همانطور که اهل بهشت در روز قیامت برای وارد شدن به بهشت از ایشان خواهان شفاعت می‌شوند که همه‌ی این موارد توسل به ایشان در هنگام زندگی دنیوی و اخروی ایشان است و این توسل به دعا و شفاعت اوست نه توسل به ذات و حق او، چنانکه اهل علم تصریح نموده‌اند.